

انتقال بحران مالی آمریکا به سایر کشورها

این مرض مسری است

ادغام بازارهای مالی جهان، ضعف مقررات بین‌المللی و فقدان مسؤلیت‌پذیری مؤسسات رتبه‌بندی، عوامل سقوط دسته جمعی کشورهای توسعه یافته در ورطه بحران هستند.

با توجه به این که بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی در اروپا و جهان، مالک میلیاردها دلار از بسته‌های مالی یا سهام بانک‌های ورشکسته آمریکا بودند، با بی‌ارزش شدن بسته‌های مالی و سهام بانک‌های مذکور، با ضرر و زیان‌های هنگفت و غیرقابل جبرانی مواجه شده و موقعیت و اعتبار مالی خود را از دست دادند. بر اساس بررسی‌های مشترک واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» و بانک سپه، ضعف مقررات و کنترل‌های بین‌المللی و فقدان مسؤلیت‌پذیری مؤسسات درجه‌بند از عوامل تشدید بین‌المللی شدن بحران به شمار می‌روند. در خصوص انتقال بحران به سایر بانک‌ها، به عنوان نمونه می‌توان به کاهش ارزش سهام مهم‌ترین بانک‌های دنیا از جمله یونیون بانک و کردیت بانک سوییس اشاره کرد. این دو، جزو بانک‌های معتبر دنیا می‌باشند که بیشترین سپرده‌های مالی جهان را به خود اختصاص داده‌اند، لیکن به سبب معاملات بانکی و اعطای وام مسکن و مستغلات در آمریکا، با زیان مواجه شدند. بر اساس آمار منتشره در این زمینه، یونیون بانک سوییس از آغاز بروز بحران مالی تاکنون، مجموعاً با ۴۰ میلیارد دلار زیان مواجه شده است. همچنین بانک‌های آلمان از جمله دوپچه بانک نیز از تبعات بحران مذکور مصون نبوده و با کاهش ارزش سرمایه رویه‌رو بوده‌اند. شرایط بحرانی ایجاد شده در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دنیا، جذب سپرده‌های جدید را با مشکل مواجه کرده است. از سوی دیگر، بروز جو بی‌اعتمادی سبب شده تا سپرده‌گذارانی که شاهد ورشکستگی بانک‌های بزرگ طی هفته‌های اخیر بودند، به خروج منابع و سپرده‌های خود از بانک‌ها اقدام کنند.

در این راستا، ارزش سهام ING بانک هلند - به عنوان یکی از بزرگترین بانک‌های اروپایی - با کاهش ۲۵ درصدی خود، به پایین‌ترین سطح طی ۱۳ سال اخیر رسیده است. این امر، دولت هلند را به منظور مهار بحران و پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها، مجبور به تزریق ۱۰ میلیارد یورو اعتبار کرد. اما در این میان، بانک‌های فرانسه از بحران آسیب کمتری دیده‌اند. طبق اظهارات کریستین نویر، رییس بانک فرانسه، در کنگره فدراسیون ملی، چهار دلیل آسیب‌پذیری کمتر بانک‌های فرانسه از بحران اخیر عبارتند از: (۱) بالا بودن نسبت‌های ایفای تعهدات بانک‌های فرانسه، بیشتر

بانک‌های فرانسه، بدون اتکا به افزایش سرمایه و از طریق انتشار سهام و (۴) بالا بودن قدرت مانور بانک‌های فرانسه در شرایط بحران فعلی.

پس از افت شدید بازار سهام آمریکا در ۷ اکتبر، شاخص سهام در بورس لندن در حدود ۸ درصد کاهش یافت و به پایین‌ترین حد خود از سال ۱۹۸۷ میلادی تاکنون رسید. بازارهای سهام پاریس و فرانکفورت هم کاهش مشابهی را تجربه کردند. شاخص سهام نیکی ژاپن نیز، بیش از ۹ درصد کاهش یافت. همچنین به دنبال این بحران، شاخص سهام در کشورهای کره، هنگ کنگ و هند، به ترتیب معادل ۶/۲، ۵/۶ و ۷/۳ درصد با افت مواجه شدند. سکون و افت بورس‌های جهان کماکان ادامه دارد. ■

نفت بحرانی

پیش‌بینی قیمت نفت

در حالی که ۶۰ درصد ذخایر نفت جهان که در حوزه‌های عظیم قرار دارند، هم‌اکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفته و بهره‌برداری و اکتشاف سایر مخازن، به دلیل کوچک بودن حوزه‌ها و محدود بودن ذخایر آنها، تنها در شرایط خاص مقرون به صرفه است. محدودیت دیگر در افزایش عرضه نفت خام، کپولت سن حوزه‌های نفتی جهان است که این مسأله، تولید متوسط هر چاه را به شدت کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، متوسط تولید هر چاه در ایران - که در اوج خود بیش از ۲۰ هزار بشکه در روز بوده است - امروز به کمتر از ۲ هزار و ۵۰۰ بشکه در روز رسیده است. لذا در شرایط کاهش ارزش دلار، افزایش تقاضا بیش از افزایش عرضه نبوده که این امر منجر به افزایش قیمت نفت می‌شود. براساس آمار، از سال ۲۰۰۷ که روند نزولی ارزش دلار در مقابل یورو آغاز شد، قیمت نفت افزایش یافت. لیکن از اواسط سال ۲۰۰۸ که ارزش دلار در مقابل یورو تقویت شد، قیمت نفت کاهش یافت و روند کاهش آن همچنان ادامه دارد. با عنایت به این که رکود موجود در دنیا منجر به کاهش تقاضای کشورهای تأثیرگذار شده، قیمت نفت به شدت کاهش یافته است، به طوری که بهای هر بشکه نفت خام که در ماه ژانویه سال جاری به بیش از ۱۴۷ دلار رسیده بود، در روزهای اخیر، حتی به زیر ۳۵ دلار کاهش یافته است.

پیش‌بینی تقاضای نفت خام در سال ۲۰۰۹

بنا بر پیش‌بینی نشریه اقتصادی میس، بحران اقتصادی موجب کاهش ۰/۴ درصدی تقاضای نفت در سال ۲۰۰۹ خواهد شد. همچنین، سازمان بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که مصرف جهانی نفت در سال آینده به ۸۷/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. جمع‌بندی اظهارنظرهای کارشناسان نشان می‌دهد که تقاضای جهانی نفت در سال آینده، بین ۵۰۰ هزار بشکه افزایش تا ۵۰ هزار بشکه کاهش، در نوسان خواهد بود.

از حداقل الزامات تعیین شده از سوی مقررات احتیاطی و بیش از سطوح رقبای اروپایی، (۲) سودآور بودن بانک‌های فرانسه و افزایش تضمین سرمایه‌گذاری در آنها، (۳) منابع منظم درآمدی

رشد اقتصادی و به تبع آن رشد تقاضا و نوسانات ارزش دلار، از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای نفت به شمار می‌روند. با توجه به این که آمریکا به تنهایی بیش از یک چهارم نفت خام جهان را مصرف می‌کند، رکود و رونق اقتصادی آن کشور می‌تواند به معنای سقوط یا افزایش قیمت جهانی نفت باشد. با رشد اقتصادی کشورهایی مانند چین و هند، نیاز به مصرف انرژی بیشتری احساس می‌شود. از این رو، دستیابی کشورهای مذکور به اهداف رشد اقتصادی، موجب افزایش تقاضای نفت می‌گردد.

از آنجا که در حال حاضر، حامل‌های انرژی و نفت خام در بازار و مبادلات جهانی بر مبنای دلار قیمت‌گذاری می‌شوند، تغییرات ارزش دلار در مقابل سایر ارزهای معتبر بین‌المللی، می‌تواند بر عرضه و تقاضای بسیاری از کالاها، از جمله نفت خام تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، کاهش ارزش دلار در مقابل ارزهایی مانند یورو و یورو (با فرض ثابت بودن سایر عوامل) می‌تواند به مثابه افزایش قدرت خرید کشورهای اتحادیه اروپا و ژاپن برای نفت خام و به عبارت دیگر، ارزان شدن نسبی نفت خام برای این کشورها باشد که این مسأله خود می‌تواند موجب افزایش تقاضای این کشورها برای نفت خام شود. از طرفی، کاهش ارزش دلار، عملاً قدرت خرید کشورهای تولیدکننده و صادرکننده آن را کاهش می‌دهد، چراکه بخش قابل توجهی از واردات این کشورها از بلوک‌های غیردلاری انجام می‌شود و می‌باید برای تأمین نیازهای وارداتی خود، دلارهای نفتی را به یورو، پوند، ین و سایر ارزهای معتبر تبدیل نمایند. گفتنی است، در شرایط افت ارزش دلار، این کشورها مقدار کمتری از ارزهای مذکور را به دست خواهند آورد و این به معنای کاهش درآمدهای صادراتی آنهاست که ممکن است برای جبران آن، میزان تولید نفت و صادرات خود را افزایش دهند. توجه به این نکته ضروری است که افزایش تولید نفت خام در بسیاری از کشورها، مستلزم اکتشاف مخازن جدید نفت است.